



نقش تعاونی‌ها در بهبود وضعیت اقتصادی اجتماعی کارگران و حاشیه‌نشینان هند

شریت. ک. بهومیک* - ترجمه: علی اصغر مقصودی

□ قسمت سوم

را دچار مشکل کرده بود. از این رو، این شرکت نمی‌توانست سفارش‌ها را به موقع آماده کند و بتدریج بازارش رو به زوال گذاشت. شرکت نمی‌توانست برای حل مشکلاتش از این واحد استفاده کند. صاحبان شرکت نیز علاقه‌ای به صرف هزینه اضافی نداشتند. اختلافات جدی بین اعضای خانواده‌ای که مالک کارخانه بودند وجود داشت، که به بحران در تصمیم‌گیری‌های دراز مدت درمورد سرمایه شرکت کمک می‌کرد.

در سال ۱۹۷۵ شرکت کارخانه را تعطیل کرد، چرا که قادر به پرداخت دستمزدها نبود. کارگران که ۲۹۰ نفر بودند شرکت را ترک کردند. اتحادیه سعی کرد تا مالکان را وادار کند که کارخانه را بازگشایی کنند یا دستمزدهای عقب افتاده را پرداخت کنند، اما این کار نتیجه‌ای

تعاونی ۹۵ نفرند و این تعاونی در دهم سپتامبر ۱۹۸۰ به ثبت رسیده است. این تعاونی به تولید سیم در اندازه‌های مختلف جهت استفاده در جرثقیل‌ها و دیگر ابزارآلات حمل و نقل، می‌پردازد. در کارگاه‌های ساخت این تعاونی مواد ریخته‌گری در مقیاس‌های کوچک و متوسط تولید می‌شود که مورد نیاز واحدهای صنعتی بزرگتر است. شرکت تولید سیم با مسؤلیت محدود، نام اصلی این تعاونی بود این شرکت در سال ۱۹۶۲ تأسیس شده بود و بازار خوبی برای محصولاتش داشت. مشکلات این شرکت در دهه هفتاد وقتی که کلکته با کمبود نیروی برق روبرو شد، آغاز گردید.

کارخانه به منبع قدرت منظم و با قاعده‌ای نیاز داشت تا موتورش را به حرکت درآورد و قطع مکرر برق تولید آن

۱-۲-۴ تعاونی تولید سیم

تشکیل تعاونی صنعتی تولید سیم با مسؤلیت محدود در منطقه پانی هاتی در ناحیه پاراگاناس در شمال کلکته قرار دارد. این کارخانه دارای ۱۰۶ کارگر است که ۹۰ نفر از آنها در کارگاه‌های مختلف، ۶ تن از آنها در بخش اداری و ۶ نفر نیز در حوزه امنیتی و نگهبانی کارخانه کار می‌کنند. به علاوه، دو مهندس و دو طراح نیز در آن کار می‌کنند. تعاونی یک رئیس اجرایی را جهت مشاوره در تمام امور شرکت به خدمت گرفته بود. اما او در سال ۱۹۹۷ استعفا داد.

در حال حاضر مدیریت تعاونی، توسط کمیته مدیریتی منتخب، متشکل از رئیس، منشی و هفت نفر اعضای کمیته است. رئیس یک کارمند اداری است، در حالی که منشی یک کارگر است. کل اعضای

تصور کنند که خریداران چنین پول کلانی را باید یکجا بپردازند. منابع مالی تعاونی خیلی کمتر از مبلغ مورد نیاز بود. با اینحال کارگران تصمیم گرفته بودند که شرکت را بخرند و شروع به جمع آوری پول اولیه از منابع مختلف کردند. آنها از دیوان عالی خواستند که آخرین مهلت پرداخت پول اولیه را تمدید کنند. دیوان عالی موافقت کرد که مهلت را به مدت ۲ ماه تمدید کند. آنگاه کارگران دست به کار شدند تا از موقعیت استفاده کنند.

علیرغم تلاش آنها، اندوخته تعاونی به کمتر از یک چهارم پول اولیه رسید. کارگران تصمیم گرفتند تا از گرفتن مستمری شان در چند ماه آینده صرف نظر کنند و بدین ترتیب به تهیه وجه مذکور کمک کنند. وقتی که حتی این اقدام نیز به جایی نرسید، کارگران تصمیم گرفتند بطور انفرادی در حد توان خود کمک کنند. بعضی از کارگران وام شخصی گرفتند تعدادی دیگر جواهرات همسرانشان را فروختند، بعضی نیز اموال شخصی خود را فروختند تا مبلغ اندوخته شده را زیاد کنند. بعد از اینکه اندوخته‌های خود را روی هم ریختند، بالاخره توانستند پول لازم را تهیه کنند. آنها پول را به دیوان عالی دادند و بلافاصله به تعاونی اجازه داده شد که امور کارخانه را بدست گیرد و این البته به این شرط بود که تمام مبلغ در ظرف شش ماه پرداخت شود. خوشبختانه با موافقت یک بانک با اعطای وام جهت مابقی مبلغ مشکل حل شد. بدین ترتیب در ماه می ۱۹۸۶ تعاونی مالک کارخانه شد.

وقتی تعاونی امور کارخانه را بدست گرفت، تعاونی ۶۹ عضو داشت. متوسط مستمری آنها ماهانه ۴۵۰ روپیه بود، که خیلی کم بود. بعد از مالکیت تعاونی، این مبلغ را می‌شد افزایش داد، اما اعضای تعاونی معتقد بودند که مهمترین وظیفه آنها قبل از این کار بهبود وضعیت ماشین آلات و افزایش محصول است. این اقدامات ثبات دراز مدت تعاونی را در پی داشت. در مجمع عمومی در مورد این موضوعات تصمیم‌گیری شد. برخی از آنها (اقلیت آنها) اظهار داشتند که منابع مالی شخصی آنها مصرف شده است و مستمری

تعویض شوند و یا ارتقا یابند. از آنجا که تعاونی صاحب ماشین‌ها نبود نمی‌توانست آنها را تعمیر کند. دیوان عالی صرفاً اجازه اجاره اموال شرکت را داده بود، از این رو تعاونی نمی‌توانست اموال اجاره‌ای را تعویض یا تعمیر کند. تعاونی می‌توانست برای دریافت اجاره ارتقا ماشین‌آلات به دیوان عالی متوسل شود، اما منابع مالی این کار را از کجا تأمین کند. رابرتی‌های انجام گرفته توسط رهبران اتحادیه نشان داد که هیچ مؤسسه مالی حاضر به اعطای وام برای این اقدام نیست، چرا که تعاونی صاحب اموال نبود.

تنها راه باقیمانده برای تعاونی خرید شرکت بود، اما آنها منابع مالی کافی برای این کار نداشتند. بعد از یک سری مباحثات و گفتگوها که بین کارگران و رهبران محلی انجام شد، این اتفاق نظر حاصل شد که تعاونی باید شرکت را بخرد. کارگران مصمم شدند که این پول را جمع کنند. در دوم ژوئن ۱۹۸۵ تقاضایی مبنی بر اینکه اموال شرکت حراج شود و به تعاونی شانس نسبتاً خوبی داده شود که قیمت خرید را معلوم کند، به دیوان عالی فرستاده شد. تعاونی درخواست کرد که اگر قیمتی را که معلوم می‌کند پذیرفته شود، باید به آنها اجازه دهند که مبلغ را به صورت اقساط بپردازند.

بر اساس این درخواست دیوان عالی روز ۲۴ ژانویه ۱۹۸۶ را برای حراج تعیین کرد. آنگاه اعضاء سمی کردند تا آنجا که می‌توانند پول جمع کنند تا شرکت را بخرند. آنها مستمری را کاهش دادند و اضافه کاری کردند تا پس انداز را بیشتر کنند. قیمت کل خرید ۱۴۵۰۰۰۰ روپیه تعیین شد، که برای تعاونی مبلغ کلانی بود تا پرداخت کند و از تاریخ حراج، به مدت شش ماه وقت دارد که کل مبلغ را بپردازد. زمان پرداخت پول اولیه دو هفته پس از تاریخ حراج تعیین شد.

جمع آوری پول اولیه یک مشکل عمده برای تعاونی بود. وقتی که کارگران که عضو تعاونی هم بودند در خواست خود را مبنی بر خرید شرکت به دیوان عالی ارائه کردند، فکر می‌کردند اجازه خواهند داشت کل پول را به صورت اقساط چند ساله بپردازند. آنها هرگز نمی‌توانستند

نداشت. این وضعیت در سه سال بعد نیز ادامه یافت. از این رو، چند تن دیگر از کارگران نیز به دنبال کار در جای دیگر، شرکت را ترک کردند. در نهایت در سال ۱۹۷۸ مالکان برای دریافت اجازه تسویه حساب و برچیدن شرکت، به دیوان عالی متوسل شدند.

کارگران در آغاز با شنیدن این اخبار شوکه شدند. رهبران اتحادیه آنها نیز درگیر این مشکل شدند و پیشنهاد کردند که کارگران باید سمی کنند از طریق تشکیل یک تعاونی شرکت را اداره کنند. اتحادیه هم تلاش کرد تا دولت جناح چپی را که تازه انتخاب شده بود را متقاعد کند که شرکت را به کارگران واگذار کند. ۹۵ کارگری که در طول این سه سال تعطیلی شرکت با اتحادیه باقی مانده بودند، گرد هم آمدند تا تعاونی تشکیل دهند. بعد از به ثبت دادن این سازمان، این کارگران به دیوان عالی متوسل شدند و از آن خواستند تا به تعاونی فرصت اداره شرکت داده شود نه اینکه آن را به حراج بگذارند. اگر با اجازه دادن کارخانه و ماشین آلات آن موافقت می‌شد، آنوقت تعاونی می‌توانست کارهایی را انجام دهد که برای تعاونی و اعضای فقیرش درآمد داشته باشد. دیوان عالی با این امر موافقت کرد، اما در ضمن اشاره کرد که این توافق بایستی هر سال تجدید شود. به علاوه، این امر باید تا زمانی ادامه یابد که شقوق دیگری برای واگذاری دارایی شرکت پیدا نشده باشد. تعاونی چند سالی بدین منوال کار کرد.

در آغاز کسب و کار خوب نبود و کارگران برای گذران زندگی مستمری ناچیزی دریافت می‌کردند بعد از قریب یک سال وضعیت بهتر شد، طوری که تعاونی توانست بطور منظم از مشتری‌ها سفارش بگیرد. در سال ۱۹۸۵، تعاونی به ثبات دست یافت و اعضایش توانستند حقوق بیشتری بگیرند. آنگاه اعضاء شروع به بحث در این مورد کردند که آنها می‌توانند درآمدشان را از طریق تولید محصولات خودشان و نه انجام کار برای دیگران، افزایش دهند. اما حرف زدن راجع به این کار از انجام‌دادنش ساده‌تر بود. برای شروع تولید محصولات، لازم بود که تعدادی از ماشین‌ها تعمیر یا

که این واحد در صورت داشتن سرمایه جاری می‌توانست به بهره‌وری بیشتری دست یابد داشتن سرمایه، تعاونی را قادر می‌ساخت که برای انجام سفارشات مواد خام بخرد. بخاطر کمبود سرمایه، تعاونی نمی‌توانست کسب و کارش را با دریافت سفارش بیشتر رونق بخشد.

کمبود سرمایه جاری بیشتر به این خاطر بود که تعاونی نتوانسته بود نه از بانک و نه از دولت ایالتی اعتبار بگیرد. بلافاصله بعد از بازپرداخت وام بانکی برای خرید این واحد، وام دیگری به عنوان سرمایه جاری به تعاونی اعطا شد که تعاونی متعهد شد که در وقت مقرر آن را بازپرداخت نماید. با اینحال بعد از آن، علیرغم ایجاد سابقه‌ای خوب در بازپرداخت وام، تعاونی نتوانست این وامها را جذب کند. ما پی بردیم که بانک برای اعطای وام ضمانت می‌خواهد. تعاونی وام‌های قبلی را با ضمانت دولت ایالتی گرفته بود. بدبختانه، همچون دیگر موارد دولت ایالتی از ضمانت تعاونی امتناع کرد.

از این رو، با وجود اینکه تعاونی در وضعیتی بود که می‌توانست کسب و کارش را بیشتر رونق دهد، اما برای این کار با کمبود سرمایه جاری روبرو بود. این امر بطور جدی سوددهی این بنگاه را تحت شعاع قرار داد. تعاونی ناگزیر بود که از منابع خودش برای خرید مواد خام، تعمیرات، ارتقاء ماشین‌آلات و هزینه‌های متفرقه دیگر استفاده کند. بیشتر بنگاه‌های تجاری دیگر برای پوشش دادن این قبیل هزینه‌های فوری و ضروری وام می‌گرفتند. فساد در بدست آوردن قراردادهای همچنین دریافت وجوه دیگر مشکل عمده تعاونی بود. معمولاً سفارش‌ها از دولت گرفته می‌شد و مشتریان اصلی تعاونی دولت‌های ایالتی بودند به من گفتند حتی بعد از بستن قرارداد براساس مزایده و مناقصه، از تعاونی توقع داشته‌اند که برای تسریع در پرداخت وجوه رشوه پرداخت کند. اگر رشوه پرداخت نمی‌شد پرداخت وجوه به تعویق می‌افتاد. این یک مشکل مشترک برای بیشتر تعاونی‌های مورد مطالعه بود، که در مورد سفارشات دولت یا شهرداری صدق می‌کرد. در نهایت

تولید، بعداً به عنوان رئیس تعاونی برگزیده شد. کارگران خوشنود شدند و دیدگاهشان بزودی ثمر داد. تعاونی شاهد رشد سریعی بود. در اوایل سال ۱۹۹۲، به علت افزایش حجم کار، تعداد کارگران به ۱۱۰ نفر افزایش یافت و حجم معاملات شرکت نیز ده برابر شد. در سال ۲۰۰۰ آنها قادر بودند بیش از دیگر کارگران منطقه در آمد داشته باشند.

کارگران، علاوه بر افزایش دستمزد، از مزایای دیگری نیز برخوردار شدند. آنها تحت پوشش بیمه بیماری و حوادث قرار گرفتند. این برنامه از قبل اجرامی شد، چرا که بیمه برای بنگاه‌هایی در این مقیاس اجباری است، اما در طول تعطیلی کارخانه این برنامه متوقف شده بود. این امر بر مزایای بازنشستگی کارگران تأثیر می‌گذاشت. تعاونی تصمیم گرفت برنامه را از نو شروع کند و بدهی‌های روی هم انباشته شده را نیز پرداخت کرد دیگر برنامه‌های مرتبط با بیمه اجتماعی برنامه پاداش گروهی بود که با پرداخت معوقه‌های سال ۱۹۸۱ اکنون، این برنامه نیز از سر گرفته شد. هزینه‌های تعاونی بالا رفت به گونه‌ای که تعمیر و بهبود زیر ساختار تعاونی ضرورت یافت. دولت ایالتی مبلغ ۳۰۰۰۰۰ روپیه وام بدون بهره در اختیار تعاونی قرار داد. تعاونی ۲۰۰۰۰ روپیه آن را صرف تعمیر ساختمان کارخانه کرد. همچنین یک ژنراتور ۸۱ کیلو واتی خرید تا کمبود نیروی برق را جبران کند. مدیریت قبلی، بخاطر گرانی نیروی برق از نصب چنین ژنراتوری خودداری کرده بود. این کارگران به این خاطر ژنراتور را خریدند که تشخیص داده بودند کارخانه‌ای که خوب اداره می‌شود باید سوددهی بیشتری نیز داشته باشد. بخش عمده هزینه ژنراتور از طریق منابع مالی خود تعاونی تأمین شده بود به علاوه، وام دولت در ظرف چهار سال برگردانده شد. در سال ۱۹۹۲ وام دولت بازپرداخت شد. گرچه تعاونی به پیشرفتهای مهمی دست یافته بود، اما با مشکلاتی روبرو بود که مانع توسعه بیشتر آن می‌شد. یکی از مشکلات اصلی‌ای که تعاونی با آن روبرو بود نبود سرمایه جاری بود. اعضای کمیته مدیریت به من گفتند

باید افزایش یابد تا وضعیت مالی شان بهبود یابد. دیگران می‌گفتند که بهبود وضعیت کارخانه مهم‌تر است. کارگران فداکاری کرده و ماهها با سختی زندگی کرده بودند. آنها می‌توانستند این سختی را تا چند ماه دیگر هم تحمل کنند تا وضعیت بهتر شود.

بالاخره کارگران تصمیم گرفتند که بنا به ضرورت بهبود وضعیت کارخانه، دستمزدها افزایش نیابد تا از این طریق هزینه‌ای به کارخانه تحمیل نشود.

موضوع دیگری که کارگران حس کردند از اهمیت بسزایی برخوردار است، نیاز به پرسنل فنی و ماهر و ذیصلاح بود. آنها می‌توانستند وضعیت ماشین‌آلات را بهبود بخشند ولی آیا می‌توانستند امور فنی کارخانه بازسازی شده را هم سروسامان دهند؟ اگر این ماشین‌آلات را که با دریافت وام سرهم بندی کرده بودند با حداکثر ظرفیت کار نمی‌کردند، تمام تلاش‌های آنها بی نتیجه می‌ماند. آنها به پرسنل فنی تعلیم دیده‌ای نیاز داشتند اما کدام مدیر فنی ای حاضر بود به بنگاهی، که در مضیقه شدید مالی بود، ملحق شود؟ کارگران نتیجه گرفتند که باید به کسانی که مایل هستند به آنها پیوندند و در اداره این بنگاه به آنها کمک کنند، حقوق بیشتری بپردازند. منشی کمیته مدیریت به من گفت «ما به این نتیجه رسیدیم که ما به آدمهای خوب نیاز داریم. ما به یک مهندس برای اداره کارخانه و چند مدیر برای افزایش فروش نیاز داریم». ما تحصیلات چندانی نداریم. ما می‌توانیم در کارخانه کار کنیم و کالاهایی تولید کنیم ولی نمی‌توانیم به شرکتهای بزرگ برویم و از آنها بخواهیم که محصولات ما را بخرند. کی با ما حرف می‌زنه؟ از این رو به این نتیجه رسیدیم که اگر ما ماهانه ۵۰۰ روپیه می‌گیریم، در صورت لزوم، باید به مدیرانمان ماهانه ۵۰۰ روپیه بپردازیم. آینده این کارخانه آینده ماست. ما باید آن را به موفقیت برسانیم»

بدین ترتیب آنها دو مدیر یکی در بخش تولید و دیگری در بخش برنامه‌ریزی، امور مالی و نظارت بر بازاریابی را به کار گرفتند هر دو عضو تعاونی شدند. مدیر

تعاونی در بعضی موارد نیز مستقیماً بازاریابی می‌کند اما این بیشتر خاص بنگاههای بزرگتر است. مثل تولید ماشین آلات سنگین برای حمل ذغال سنگ که توسط یک شرکت خصوصی بزرگ مهندسی انجام می‌شود. این شرکت تأمین کننده پیش‌پرداخت برای تعاونی نیز بود تا بتواند به تولید تجهیزات بپردازد. روشن است که تعاونی نمی‌توانست تجهیزات را تولید کند، چرا که سرمایه لازم را برای سازماندهی تولید و بازاریابی محصولات در اختیار نداشت. هر دو جنبه مستلزم وجود منابع مالی بیشتری بود. از این رو می‌توانیم ببینیم که نبود اعتبار و وجود فساد دو مانع عمده بهبود عملکرد تعاونی بودند.

۱-۵ نتیجه‌گیری:

تعاونی‌ها و از زیر سلطه خارج کردن کارگران

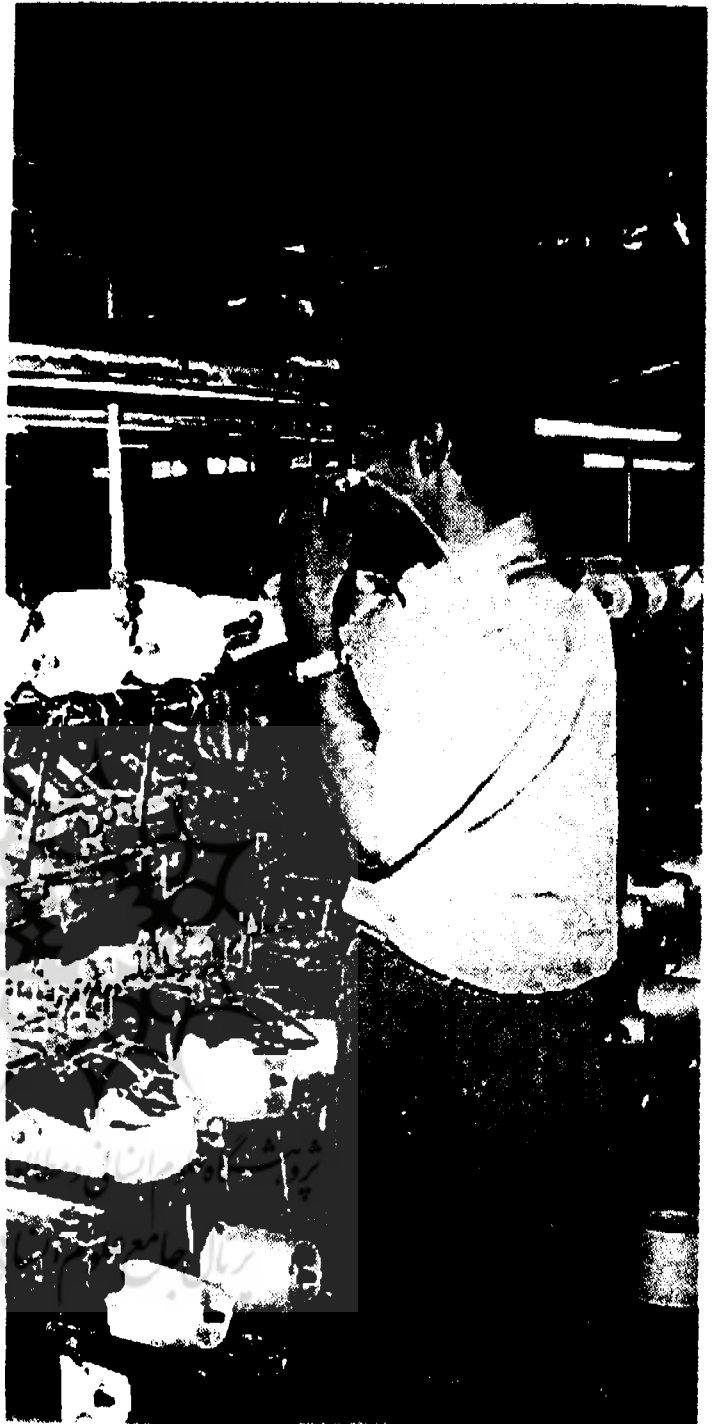
در بخش‌های قبلی، ما در مورد دو نوع تعاونی که در دوشهر مختلف قرار دارند بحث کردیم. علیرغم تفاوت‌هایی که در بین این تعاونی‌ها وجود دارد، چند حالت مشترک را می‌توان در بین آنها یافت. اول از همه اینکه همه آنها به ابتکار و با کمک اتحادیه‌ها تأسیس شده‌اند. این جنبه برای تشکیل تعاونی‌ها بسیار مهم بود. تعاونی‌های جوی گردا در احمدآباد را اس. ای. دبلیو. آ به عنوان بخشی از فعالیت‌های اتحادیه تأسیس کرد.

اس. ای. دبلیو. آ به عنوان بخشی از فعالیت تجاری‌اش، استراتژی مشخصی برای ایجاد تعاونی‌ها دارد.

۱-۵-۱ حمایت اتحادیه‌ها

تعاونی‌های کسلکنه را نیز اتحادیه‌هایشان ایجاد کرده‌اند، اما رهیافت آنها با رهیافت اس. ای. دبلیو. آ تفاوتی وجود دارد.

رهبران اتحادیه پیشنهاد کرده بودند که کارگران بایستی بعد از اینکه مدیرانشان شرکتها را تعطیل کردند، آنها را اداره کنند. موضع اتحادیه‌ها در آغاز برخلاف موضع اس. ای. دبلیو. آ دوگانه بود آنها خواهان اجرای ایده تشکیل تعاونی و در دست گرفتن تولید به عنوان ابزار و معیاری برای از زیر سلطه خارج شدن بودند.



سفارش از دولت‌های ایالتی از طریق آژانس‌ها انجام می‌گیرد. تعاونی محصولاتش را به کشورهای خاورمیانه نیز صادر می‌کند و این کار نیز از طریق آژانس‌ها انجام می‌گیرد چرا که پرداخت رشوه به مسئولین صادرات کالا نیز ضروری است.

تعاونی تصمیم گرفت با واسطه قراردادادن آژانس‌ها برای گرفتن سفارش، بر این مشکل فائق آید عایدی آنها از این طریق کمتر بود چرا که مجبور بودند به آژانس‌ها کمیسیون پرداخت کنند، امادیکر با مشکل فساد مالی روبرو نبودند. آژانس‌ها متوجه این امر بودند. دریافت

تصمیم در مورد چگونگی فعالیت‌های روزانه و سیاست‌های تعاونی از طریق اجماع اتخاذ می‌شد. این امر باعث می‌شد که تمام کارگران در عملکرد تعاونی مشارکت کنند.

دموکراسی تعاونی از طریق ابزارهای رسمی و غیر رسمی تمرین می‌شد. ابزارهای رسمی گزارش‌هایی بود که در مجامع عمومی به بحث گذاشته می‌شد و در پی آن سیاست‌ها نهایی می‌شد. انتخابات کمیته مدیریت (هیئت مدیره) نیز بطور منظم برگزار می‌شد. انتخابات در تعاونی کشتی سازی با اتفاق نظر همراه بود. تعداد اعضاء کم بود و رهبران تعاونی در تعیین پست‌های شورای مدیریت با اتفاق نظر می‌رسیدند.

تعاونی تولید کابیل به نسبت دارای کارگران بیشتری بود و انتخابات به مشاجره و دعوا منتهی می‌شد، با اینحال بر طبق اساسنامه تنها کسانی که در بنگاه مشغول به کار بودند می‌توانستند به انتخابات اعتراض کنند. اعضایی که در استخدام تعاونی نبودند از اعتراض به انتخابات محروم بودند ولی می‌توانستند رای دهند. در تمام تعاونی‌ها اعضای کمیته مدیریت از طریق انتخابات عوض می‌شدند، به گونه‌ای که به اعضای بیشتری شانس مشارکت در تصمیم‌گیری داده شود. مستدهای غیر رسمی شامل برگزاری جلسات بحث و گفتگو و برگزاری مجامع اتحادیه جهت توضیح عملکرد تعاونی برای کارگران به کار گرفته می‌شد. این مند باعث شد تا اعضاء بتوانند به مشکلات تعاونی هایشان پی ببرند. آنها همچنین می‌توانستند پیشنهادات خود را در مورد موضوعات مرتبط با مدیریت تعاونی‌ها مطرح کنند. دموکراسی داخلی نیز بطور کامل در تعاونی ماشین آلات تولید سیم برقرار بود. کمیته مدیریت تصمیم‌گیری در مورد سیاست‌گذاری تعاونی را انجام می‌داد. درون این کمیته گروه کوچک هسمفکری وجود داشت که در تصمیم‌گیری‌ها نقش بارزی ایفا می‌کرد. این امر در ابتدا این احساس را برانگیخت که یک گروه پنج نفره تمام تصمیمات را از طرف تعاونی می‌گیرد.

با اینحال ما دریافتیم که این افراد قبل

کرده‌اند اما بعداً وقتی که دریافتند که اعضا و کارگران تعاونی مخالف واگذاری ساختمان برای دفتر حزب هستند، تغییر نگرش داده‌اند. بعد از این جریان، رهبران محلی سعی کردند با تحریک اعضای جدید علیه اعضای اصلی در بین آنها تفرقه ایجاد کنند. اعضای اصلی عضو اتحادیه وابسته به سی. آی. تی. یو بودند، اما بعد از پیش آمدن این کشمکش‌ها با کارگران جدیدی که رهبران اتحادیه‌های محلی آنها را وارد تعاونی کرده بودند، آنها از خواب بیدار شده و از عضویت در آن کناره گرفتند در بررسی اولیه تعاونی‌های کارگری در این شهر، ما به دو نمونه مشابه برخوردیم. در تمام این موارد رهبران محلی سی. پی. آی (ام) که در آغاز به تشکیل تعاونی کمک کرده بودند، به تعاونی‌ها به عنوان منابع ایجاد درآمد برای حزب و استخدام کادر نگاه می‌کردند.

۱-۵-۲ کارکرد دموکراتیک

علاوه بر حمایت اتحادیه، عامل مهم دیگر برای حیات چنین تعاونی‌هایی، دموکراسی داخلی آنهاست. در تعاونی‌هایی که به کمک اس. ای. دپلیو. آ راه اندازی شدند، دموکراسی فقط به انتخاب رهبران محدود نمی‌شد. اتحادیه برنامه‌هایی را برای اعضای تعاونی ترتیب داده بود که در زمینه نظارت بر تعاونی هایشان باخبر بودند. آنها به طور فعال در مجامع منظمی که اتحادیه برگزار می‌کرد شرکت می‌کردند و در زمینه مشکلات تعاونی به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. جنبه مهمتر این مباحثات این بود که دیدگاههای اعضای عادی بطور جدی لحاظ می‌شد، و آنها تشویق می‌شدند که با دیدگاهی انتقادی به بیان نظرات و پیشنهادشان بپردازند.

در کلکته نیز تعاونی‌ها از دموکراسی داخلی برخوردار بودند و رهبران اتحادیه‌ها نقش مثبتی را در ایجاد این دموکراسی، به جز در مورد تعاونی چاپ ایفا کردند. رهبران غالباً با کارگران ملاقات می‌کردند و مشکلات را برای آنها توضیح می‌دادند. نشر اطلاعات اساس دموکراسی داخلی است. در سه تعاونی، رهبران آنها سعی کردند اعضا را نسبت به تمام جنبه‌های تعاونی آگاه کنند.

رهبران اتحادیه‌ها در ابتدا سعی می‌کردند مشکل بیکاری ناشی از تعطیلی را مد نظر قرار دهند، اما بر این اعتقاد نیز بودند که این پیش درآمدی بر تسلط دولت ایالتی است. کارگران نیز بر این باور بودند. بعد از حمایت اولیه دولت ایالتی، این دولت نسبت به سرنوشت تعاونی‌ها بی‌اعتنا می‌شد و این نتیجه تغییر در سوگیری دولت وابسته به جناح چپ بود. وقتی که جناح چپ برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ انتخاب شد، سیاست حمایت از نیروی کار را اتخاذ کرد. بعد از سال ۱۹۸۷، وقتی که این جناح برای سومین بار انتخاب شد، نگرش‌های آن تغییر کرد. از آن به بعد دولت سعی کرد فضایی را در ایالت ایجاد کند که با سرمایه‌گذاری خارجی همسو باشد.

این دولت سعی کرد تا تصویر یک دولت حامی سرمایه‌گذاری از خود به نمایش بگذارد. در این فرایند، منافع نیروی کار کنار گذاشته شد و تعاونی‌های کارگری قربانیان سیاست جدید دولت بودند. این باعث ناخشنودی کارگران و رهبران اتحادیه‌های محلی، سی. پی. آی (ام) نیز هستند. این رهبران منبع اصلی تشویق کارگران بودند، علیرغم اینکه از حمایت سی. پی. آی (ام) که توسط دولت جناح چپ هدایت می‌شد، برخوردار نبود.

پی آمد مثبت این موقعیت این است که این تعاونی‌ها یاد گرفته بودند که باید برای بقا متکی به خود، نه عاملی بیرونی همچون دولت ایالتی، باشند. علیرغم این بدبختی‌ها این تعاونی‌ها به حیات خود ادامه داده‌اند. این نه تنها در مورد چهار تعاونی مورد بحث در این مقاله، بلکه در مورد تعاونی‌های کارگری دیگر در بنگال غربی نیز صدق می‌کند. از بین ۲۱ تعاونی موجود در کلکته در اواخر دهه‌ی هفتاد و اوایل دهه هشتاد، تا به حال فقط دو تعاونی منحل شده‌اند.

در بحث فوق بایستی استثنایی در مورد تعاونی چاپ قائل شویم. در این مورد رهبران محلی سی. پی. آی (ام) کار تعاونی را دچار وقعه کردند. اعضای اصلی تعاونی می‌گویند که رهبران محلی سی. پی. آی (ام) و سی.

تی. یو به شکل‌گیری تعاونی کمک

نشان دادند که علیرغم اینکه از فقیرترین و به لحاظ اجتماعی حاشیه نشین ترین بخش جامعه هستند، می‌توانند شرایط اقتصادی و اجتماعی شان را از طریق جنبش‌های تعاونی بهبود بخشند.

پی‌نوشت‌ها:

- * دکتر شریف. ک. بهویک (Dr. Sharif K. Bhowmik). رئیس دپارتمان جامعه‌شناسی دانشگاه بمبئی هندوستان و یکی از مؤلفان و صاحب‌نظران برجسته حوزه تعاون در این کشور و دارای تألیفات و تحقیقات متعدد در این زمینه می‌باشد.
- References:
- Bhatt, Ela (1997) SEWA as a Movement in R. Dutt (ed), Organising the Unorganized Workers. Delhi: Vikasn Publishing House.
- Bhowmik, Sharif k. (1992), Worker Co_operatives in the Plantation System: A study Of Tribal Tea Plantation Workers in Eastern India, Labour, Capital and Society, 25(2). Montreal.
- Bhowmik Sharif k. (1994), Worker Co_operatives in the Unorganised Sector: An Alternative Strategy in, Sarath Davala (ed), Unprotected Labour in India. Delhi: Friedrich Ebert Stiftung.
- Marx, k and Engels, F. (1976), Selected Works, Volume One. Moscow: Progress Publishers.
- NCUI (1969), Report of the Committee on Principles of Co-operation Appointed by the International Co-operative Alliance. Delhi: National Co-operative Union of India.
- Rose Kalima (1995), Where Women are Leaders. Delhi: Sage Publications.
- SEWA (1999), Self Employed Women's Association 1999. Ahmedabad: shri Mahila SEWA Trust.

رشوه دهند تا هم بتوانند سفارش بگیرند و هم وجه سفارشات را بعد از انجام سفارش، به موقع دریافت کنند. این قضیه با این امر مغایرت داشت که، براساس قانون، دولت بایستی در انعقاد قرارداد برای انجام دادن سفارشات، تعاونی‌ها را در اولویت قرار دهد.

با فساد می‌شد مقابله کرد، در صورتی که اتحادیه‌ها در برابر انجام چنین اعمالی می‌ایستادند. اتحادیه می‌توانست مراقبت کند که این تعاونی‌ها از اولیوی که دولت برای آنها در نظر گرفته بود برخوردار شوند و همچنین به دولت فشار وارد کند که وجوه سفارشات را سریعتر به تعاونی‌ها پرداخت کند بدیختانه این کار انجام نشد. تفاوتی بین حمایت رهبران محلی سی. آی. تی. یو از تعاونی‌های مرتبط با ایشان و موقعیت سی. آی. تی. یو در رابطه با دولت وجود داشت. در واقع نه سی. آی. تی. یو و نه سی. پی. آی (ام) دستاوردهای مهم تعاونی‌ها را در کنفرانس‌های دولتی و گزارش‌های سالانه مطرح نکرده بودند. ظاهراً رهیافت آنها بدین صورت است: تعاونی‌های کارگری را می‌توان تحمل کرد اما ارزش اینکه راجع به آنها چیزی نوشته شود را ندارند. این رهیافت مایه تأسف است. چون گرچه سی. آی. تی. یو و سی. پی. آی ادعا می‌کنند که سازمان‌هایی مارکسیستی هستند، به نظر می‌رسد از دید مثبت مارکس نسبت به تعاونی‌های کارگری بی‌خبرند. از سوی دیگر، در گزارش‌های سالانه اس. آی. دبلیو. آ. دستاوردها و مشکلات تعاونی‌های تحت قیمومیتشان به گونه‌ای خاص ذکر می‌شود.

در نتیجه می‌توانیم بگوییم که علیرغم همه این مشکلات و کمبودها، این تعاونی‌ها نشان داده‌اند که کارگران عادی، اگر به آنها فرصت داده شود، ظرفیت در اختیار گرفتن کنترل ابزارهای تولیدشان را دارند. تعاونی‌های کارگری در کلکته، به روشهایی محدود، سعی کرده‌اند از طریق تلاش جمعی از بیکاران حمایت کنند و به تولید بپردازند و عزم آنها را می‌توان در این امر دید که آنها علیرغم ناملامبات به حیات ادامه داده‌اند. جوی‌گردهایی که اس. آی. دبلیو. آ. در احمدآباد سازمان داد

از اتخاذ یک تصمیم مهم با کارگران مشورت می‌کنند تا کارگران را از تمام تصمیمات مطلع سازند. بخاطر انشعاب کارگران، کارکرد دموکراتیک به یک مشکل عمده در تعاونی چاپ تبدیل شد. مجمع عمومی این تعاونی همیشه بخاطر دعوی دوگروه مشخص، به آشوب و هرج و مرج می‌انجامید.

در هنگام انجام این تحقیق، گروه متشکل از اعضای جدید با کمک نفوذ سیاسی رهبران محلی سی. پی. آی (ام)، از اداره تعاون ایالت خواستند که، چون کمیته مدیریت تعاونی قادر به اتخاذ و تصویب هیچ تصمیمی نیست، مدیری را برای تعاونی منصوب کند. از این رو رقابت داخلی کارکرد دموکراتیک تعاونی را تضعیف کرده بود.

۳-۵-۱ نقش دولت

نکته مهم دیگری که باید بدان پرداخت نقش دولت است. در مورد تعاونی جوی‌گردها، دولت نه به شکل‌گیری تعاونی کمک کرد و نه مانع آنها شد. در همین حال حالت‌های دیگری همچون اذیت و آزار مقام‌های محلی و لغو قراردادهای جمع‌آوری کاغذهای باطله از ادارت دولتی را می‌توان به عنوان جنبه‌های منفی دخالت دولت تلقی کرد. تعاونی‌ها می‌توانستند از طریق اتحادیه‌ها بر این موانع فائق آیند. ولی اس. آی. دبلیو. آی، به عنوان یک اتحادیه، با عدم حمایت از تعاونی زنان جوی‌گرد، تا حد زیادی موجب بوجود آمدن وضعیت نابسامان برای آنها شد. وضعیت تعاونی‌های کارگری در کلکته پیچیده‌تر بود. دخالت دولت برای شکل‌گیری آنها ضروری بود. عقب‌نشینی دولت در حمایت از آنها در اصل به خاطر موضع‌گیری سیاسی خاص اتحادیه بود. با اینحال بعد از اینکه تعاونی‌ها تشکیل شدند، دولت از حمایت از آنها سرباز زد. کارگران نیز از لحاظ معیشتی به حال خود رها شدند. حالت دیگری که در مورد تعاونی‌ها بروز می‌کند فساد مالی است. در موارد فوق، علاوه بر اینکه کسی ضمانت تعاونی‌ها را برای دریافت وام قبول نکرد، تعاونی‌ها دریافتند که ناگزیرند به آژانس‌های مختلف دولتی